



شیخ محمد عبده

آشنایی با پیشگامان بیداری اسلامی (۳)؛

| حامد رستمی نجف آبادی* |

اشاره

همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی امری ناگزیر و موضوعی است که نه از سر مصلحت؛ بلکه به عنوان یک ضرورت باید به آن نگرست و در جهت تحقق آن تلاش نمود. بی شک یکی از راههای تقویت و پشتیبانی فکری این ایده، معرفی عالمان و پیشگامانی است که در اصلاح امت اسلامی کوششهای فراوانی نموده‌اند.

از میان این مصلحان و اندیشمندان که نقش بسزایی در تقریب مذاهب اسلامی و دعوت مردم به وحدت و بیداری اسلامی ایفا کرده‌اند و سعی بر تطبیق تعالیم با رویدادهای جامعه داشته و بر این باور بوده‌اند که تعالیم اسلام، در هر دوره و زمانی پاسخگوی نیازها و رخدادهای نوظهور بوده، می‌توان از شیخ محمد عبده نام برد، که در این نوشتار به معرفی ایشان می‌پردازیم.

(۱) زندگی‌نامه

محمد عبده در سال ۱۲۶۶ق در یکی از دهکده‌های مصر به نام «محلہ نصر» در شهر «شبرخیت» از توابع استان «بحیره» واقع در شمال مصر، از پدری ترکمن و مادری عرب تبار متولد شد. نامش محمد بود و پدرش را عبده خطاب می‌کردند، شغل او در ابتدا کشاورزی بود، قرآن را پس از ۱۰ سالگی یاد گرفت و حافظ قرآن شد.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

در سن ۱۳ سالگی به اجبار پدر برای تعلیم معارف اسلامی وارد مرکز «جامع احمدی» شد. او آموزه‌های آنجا را به جهت سختی معلومات و خشکی و جمودی روش درسی، دوست نداشت، چیزی هم از آنجا یاد نگرفت، به همین خاطر آنجا را رها کرد و به روستای خود برگشت و به کشاورزی پرداخت. اما پس از مدتی به سفارش شیخ درویش خضر (دایی پدرش) که نظرات او را می‌پسندید، دوباره به جامع احمدی بازگشت و بعد به الأزهر رفت.

علاوه بر شیخ درویش او از محضر شیخ حسن الطویل و سید جمال‌الدین اسدآبادی بهره برد. هم‌چنین به توصیه سید جمال به مطالعه علوم عقلی پرداخت و وارد شغل معلمی شد و شاگردان زیادی را تربیت نمود که از جمله آنها می‌توان به محمد رشید رضا، سعد زغلول، طه حسین، عبدالغادر مغربی، مصطفی عبدالرزاق و شیخ محمود شلتوت اشاره کرد.

عبده علاوه بر کار معلمی کار سیاسی هم می‌کرد و به خاطر همین کار وارد حزب وطنی مصر شد. وی هم-چنین بنا به پیشنهاد ریاض پاشا (وزیر خدیو پاشا) به سردبیری روزنامه «وقایع مصریه» منصوب شد.

عبده هم‌چنین در انتشار روزنامه «عروة الوثقی» با سید جمال نیز همکاری می‌کرد.

محمد عبده پس از چند سال و با تغییر و تحولی که در بدنه سیاسی - اجتماعی جامعه ایجاد شد، با عضویت انتصابی در اواخر عمر در مجلس شورا که هیئتی مشورتی بود، زندگی خویش را سراسر به اصلاح فکر دینی، سازمانهای دینی و فعالیتهای خیریه وقف کرد.

در سال ۱۸۹۹م خدیو مصر، عبده را به مقام مفتی منصوب کرد و تا پایان عمر بر این مسند باقی ماند.

در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ق شیخ محمد عبده در معده و کبد خود احساس درد می‌کرد. وقتی به پزشکان مراجعه نمود، تأکید کردند که از فعالیتهای خود بکاهد، بیشتر استراحت کند. و برای معالجه به اروپا سفر کند. اما عبده با آن همه مسؤولیتی که داشت نمی‌توانست بیکار بنشیند و یا به اروپا سفر کند. بنابراین مریضی او شدت گرفت. پزشکان نظر دادند که در حال حاضر نمی‌تواند به اروپا سفر کند زیرا قدرت جسمی کافی برای تحمل سختیهای سفر با کشتی را ندارد و باید در مصر معالجه شود. عبده به اسکندریه رفت و از پزشکان آنجا نیز پرس و جو کرد. آنها نیز نظر پزشکان قاهره را تأیید نمودند. از این رو شیخ محمد عبده به بخش رمل اسکندریه که منزل برادرش در آن جا بود رفت و در منزل برادر خود مستقر شد.

پس از پخش خبر شدت گرفتن بیماری شیخ محمد عبده، عده زیادی از بزرگان به عیادتش رفتند و برخی نیز پزشکان متخصصی را برای معالجه وی فرستادند. اما مریضی شیخ شدت گرفت و در ساعت پنج بعد از ظهر روز هشتم جمادی الاولی سال ۱۳۲۳ ق در سن پنجاه و شش سالگی فوت نمود (ر.ک: امین، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹۴-۲۹۳).

مهم‌ترین مراحل زندگی شیخ محمد عبده را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- تعلیمات اولیه
- ۲- آشنایی و شاگردی سید جمال‌الدین اسدآبادی
- ۳- پیگیری نهضت پس از تبعید سید جمال و دعوت از مردم مصر
- ۴- سفر به مغرب زمین و آشنایی با تمدن جدید غرب
- ۵- بازگشت به مصر و گذار از فعالیتهای اجتماعی و سیاسی به اشتغالات آموزشی و قضایی (عمّاره، ۱۹۸۰م، ص ۱۸).

۲) آثار عبده

مهم‌ترین آثاری که از عبده به جای مانده است عبارتند از:

- ۱- تفسیر المنار: رشید رضا از محرم سال ۱۳۱۷ق تا نیمه محرم سال ۱۳۲۳ق، نکات تفسیری استاد عبده را یادداشت می‌کرد و تا آیه ۱۲۶ سوره نساء پیش رفت و بر اثر فوت استاد ناتمام ماند. شیخ محمد عبده در این تفسیر، اهمیت زیادی برای اخلاق قائل است و هدف او از این تفسیر تأکید بر جنبه‌های هدایتی و ارشادی و اخلاقی قرآن است.

روش تفسیری عبده، این بود که فقط قرآن را پیش رو داشت و گاهی با مراجعه به بعضی منابع لغوی، صرف و نحو و بدون استفاده از تفسیر دیگری، قرآن را تشریح نمود. از آنجا که مقصود اصلی عبده، تفسیر روح و معانی کلی آیات قرآن، بدون پرداختن زیاد به واژگان است، از همان ابتدای تفسیرش، مسائل لغوی، صرف و نحوی را که تعداد زیادی از تفاسیر قرآنی آینده از آنهاست، بی‌فایده شمرده و به آنها توجه نداشت. عبده بر خلاف بعضی، به گردآوری آنچه دیگران گفته‌اند، روی نمی‌آورد و معتقد بود: خداوند در روز قیامت از ما نمی‌پرسد که خلیق و مردم چه گفته‌اند و یا چه دریافت کرده‌اند؛ بلکه می‌پرسد که ما خود از کتاب او چه دریافت کرده‌ایم و آیا از دستورهای او پیروی کرده‌ایم یا خیر؟

- عبد هوماره با تفسیر ظاهریه و مشبهه که نصوص قرآن و حدیث را به معنای ظاهری آن حمل می‌کردند و توجهی به عقل نداشتند، سخت مخالف بود (خرمشاهی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۶).
- ۲- رساله التوحید: این کتاب بیشتر شامل افکار کلامی، پیرامون شناخت خداوند و معرفت و افکار اجتماعی او است، او در این کتاب که آن را در بیروت نگاشته است، با ارائه گزارشی از مراحل گوناگون تحول فکر اسلامی، ریشه‌های جمود فکری مسلمانان و راههای علاج نظری آنها را بیان می‌کند.
- ۳- شرح نهج البلاغه: احتمالاً تحت تأثیر سید جمال نگاشته شده است، از جهت فصاحت و جنبه ادبی نیز از ارزش بالایی برخوردار است. او معتقد بود: «سخن امام علی بن ابی‌طالب پس از قرآن و احادیث رسول خدا(ص) شریف‌ترین و بلیغ‌ترین و جامع‌ترین سخنان است.» (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۱۸).
- هم‌چنین می‌گوید: «من به هنگام مطالعه این کتاب، گاه خود را در جهانی می‌یافتم که ارواح بلند معانی، با زیور عبارتهای پرفروغ آن را آباد ساخته است و عقل نورانی از عالم الوهیت جدا گشته است و به روح انسانی اتصال یافته، او را از لابه‌لای پرده‌های طبیعت بیرون آورده و تا سراپرده ملکوت اعلی بالا برده است و تا شهودگاه فروغ فروزنده آفرینش رسانده است.» (عبد، ۱۳۷۵ش، ص ۱۰).
- در این کتاب در برخی موارد به توضیح رویدادهای تاریخی پرداخته و در همین موارد است که انصاف و بی‌طرفی او نسبت به مسائل شیعه و اهل سنت و دغدغه و اندیشه وحدت اسلامی آشکار می‌شود.
- ۴- حاشیه بر شرح دوانی بر «العقائد العضدیه» دروس من القرآن: شیخ در سال ۱۲۹۵ ق موفق شد تا حاشیه‌ای بر شرح جلال‌الدین دوانی درباره «العقائد العضدیه» بنویسد که با الهام از درسهای سید جمال-الدین، بر آن حاشیه زند. این کتاب که اولین اثر عبده در زمینه علم کلام است در مصر و با مقدمه دکتر سلیمان دنیا تحت عنوان «الشیخ محمد عبده بین الفلاسفه و الکلامیین» به چاپ رسیده است.
- ۵- الواردات: عبده این رساله را در سالهای اول آشنایی‌اش با سید جمال‌الدین در سال ۱۲۹۰ ق به نگارش در آورد. وی در آن زمان ۲۵ سال سن داشت. شیخ این رساله را به ۱۲ بخش تقسیم کرده و هر قسمت آن را وارد نامید، که نکات عمیق زیادی را در بردارد. این کتاب در قالب یک کتاب عرفانی نوشته شده است و به اثبات واجب‌الوجود پرداخته و صفات و کمالات حق را بازگو می‌کند.
- ۶- کلمات الامام و مقتبس السیاسة: که هر دو شامل مجموعه‌ای از سخنان امام علی(ع) است که نشان‌گر

علاقه وافر او به کتاب شریف نهج البلاغه است که در زمینه‌های مختلف خصوصاً سیاست جمع‌آوری شده، که به شرح عهدنامه‌های امام علی (ع) به مالک اشتر می‌پردازد (حسینی طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۷۴).

۷- رساله الرد علی الدهریین: این کتاب که پیرامون ردّ ادعاهای طبعیون و مادیون بحث می‌کند.

۸- الاسلام الرد علی منتغديه

۹- اصلاح المحاکم الشرعیه

۱۰- الاسلام و النصرانیه بین العلم و المدنیه

علاوه بر آثار ذکر شده، کتابهای دیگر و مقالات متعددی که در مجله العروة الوثقی و دیگر مجلات به چاپ رسیده، از ایشان برجای مانده است.

۳) اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده

اصلاح از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، مفهوم قرآنی است که در برابر فساد معنا می‌یابد و در راستای فساد هر آنچه که دچار فساد شده باشد، کاربرد دارد (موثقی، ۱۳۷۷، ش، ص ۷۴). از دیدگاه عبده، هر گونه تحول سیاسی بدون، زیر بنای فرهنگی و تربیتی به شکست می‌انجامد. اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) عبده شاگرد مکتب سید جمال بود اما شیوه‌ها و نوع برخوردش با او همگون نبود. او بعد از تبعید سید جمال در روزنامه مصری، خط اصلاح طلبانه‌ای را پیش گرفت و گرایشهای انقلابی را به رعایت تمامی جوانب فرا می‌خواند. تمامی همت و تلاش عبده به اصلاح فکری و تربیتی معطوف می‌شد و از اصطکاک سیاسی با دولت انگلیس بر حذر بود.

ب) عبده از مبارزات شدید سیاسی پرهیز می‌کرد و بیشتر به جریان اصلاحی توجه می‌کرد.

ج) عبده اصلاح تربیتی و فرهنگی را مقدم بر همه چیز می‌دانست.

د) عبده در شکل مبارزه به کادر سازی و تربیت نیرو معتقد بود.

ه) همنشینان او اکثراً از حوزویان و دانشگاهیان بودند. محفل درس او را این افراد گرم می‌کردند. حتی مستمعان سخنرانیهای او در مساجد را اغلب این طبقه شکل می‌دادند.

و) او اصلاح اجتماعی را در پرتو اصلاح فردی می‌داند، گرچه به زندگی اجتماعی و احکام آن نیز

بی‌توجه نیست (ر.ک: حسینی طباطبایی، ۱۳۶۲، ش، ص ۳۹).

در ادامه به بررسی اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده از دیدگاه اجتماعی، دینی و سیاسی می‌پردازیم:

۱. تمایلات عبده به اصلاح اجتماعی

محمد عبده در زمان حکومت خدیو عباس به او نزدیک شد تا اهداف خود را عملی کند. او با قانع کردن خدیو در سه زمینه اصلاحات را شروع کرد. اولین قدم دانشگاه الأزهر بود که با تغییر امکانات رفاهی و تغییر برنامه‌های درسی فصل نوینی را در جهت پیشرفت علمی آنجا آغاز کرد. قدم بعدی اصلاح در اوقاف بود و مرحله آخر اصلاح در دادگاههای شرعی بود.

شیخ محمد عبده بعد از آنکه مفتی مصر شد با فتواهای خود باعث شد که دیدگاه و نظریات بسیاری از مردم را راجع به اسلام و مسائل جهام اسلام تغییر دهد تا اینکه آنها از بسیاری از عقاید نادرست دیرین خود دست بکشند.

۲. توجه به اصلاحات دینی

شیخ محمد عبده چاره مقابله با هر دو جریان تحجر و غرب‌زدگی را احیای فکر دینی و بازگشت به سرچشمه‌های اصلی شریعت اسلامی از راه مبارزه با تقلید می‌دانست. وی به مانند سید جمال با این فکر مخالفت کرد که باب اجتهاد از زمان امام احمد بن حنبل بسته شده و از این جهت با علمای الأزهر مخالف بود. البته معتقد بود که تنها راسخان در علم می‌توانند به اجتهاد بپردازند.

در مواجهه شریعت اسلامی با مسائل دنیای جدید و تطبیق آنها با هم به نظر عبده باید دو اصل را

به کار بست:

۱- اصل مصلحت یا استصلاح

۲- اصل دوم تلفیق است که مقصود عبده از آن آمیختن و سازگار کردن مذاهب مختلف است در

حل مسائل اجتماعی.

وی نه تنها در برابر مذاهب اسلامی غیر از مذهب خود اعم از مذاهب اهل تسنن یا مذهب شیعه

بلکه نسبت به ادیان یهود و مسیحیت هم با تساهل رفتار می‌کرد (ر.ک: حقیقت، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۶۷).

شیخ محمد عبده درباره‌ی وهابیت عقیده داشت که آنها در بعضی مسائل اسلامی غلو

می‌کنند؛ به طوری که سایر مسلمین نمی‌توانند عقاید آنها را بپذیرند (عمّاره، ج ۱، ص ۸۵۷).

عبده عقیده دارد: «وهابیه‌ها از اصولی دست برداشتند که دین بر پایه‌ی آنها استوار است. اینها نه

دوستدار دینند و نه دوستدار تمدن» (همان، ج ۳، ص ۵۶۱). وی در جای دیگر پیرامون وهابیت می‌گوید: «چرا باید با زور سلاح، مسلمانان را به فرمانبرداری وادار کرد؟ اگر لااقل فقط در مقام حرف بود و (به این تهدیدها) عمل نمی‌کردند، مشکلی نبود، آنها به حرفهای ناحق خود عمل می‌کنند» (همان، ص ۳۳۲).

۳. اندیشه‌های سیاسی

عبده دو آرزو داشت. یکی آرزوی وحدت و اتحاد ملت مسلمان و دوم آرزوی یگانگی ملت مصر که شاخه‌ای از امت اسلامی بود. گرچه این دو آرزو چندان با هم قرابت نداشتند اما او سعی کرد که هرگز از جدایی بین سیاست و دیانت صحبت نکند و اعتقادی هم به آن نداشت.

او حکومتی را می‌پسندید که در آن کارها بر اساس مشورت مردم پیش رود و معتقد بود که حاکم اسلامی باید به پیروی از شریعت اسلامی و مشورت با اهل حلّ و عقد به دادگری حکومت کند (همان).

۴. عبده و وحدت دنیای اسلام

شیخ محمد عبده مانند سید جمال به وحدت دنیای اسلام می‌اندیشید و با تعصبات فرقه‌ای رابطه‌ای نداشت، همسازگری او با پیروان مذاهب دیگر به ویژه دوستان شیعی و ایرانی سید جمال‌الدین بهترین نشانه وسعت مشرب و اعتقاد او به همگرایی و اتحاد مذهبی است. هم‌چنین

شرح نهج البلاغه او گامی مؤثر در جهت وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی بود. در جای

جای این کتاب می‌توان ارادت و علاقه قلبی وافر شیخ عبده را به حضرت علی (ع) یافت.

نظریات عبده درباره مسأله تلفیق فقه مذاهب اسلامی بیشتر در کتاب «الاسلام والنصرانیة» او درج شده است. عبده با طرح اصل تلفیق و فقه مقارن از مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آنها با اجتهاد آزاد خود گرایش‌ات تقریبی خود را بروز داد. شیخ درباره جمعیت دارالتقریب نیز که بعدها تشکیل شد نیز گامهای موثری برداشت و تا چند سال شاگردان او در مقام مفتی و رئیس الازهر و علمای طراز اول مصر بودند. شیخ محمد عبده شدیداً با اختلافات و نزاعهای فرقه‌ای غیرمنطقی و زیانبار مخالفت می‌کرد. استاد شهید مطهری درباره شیخ محمد عبده می‌گوید: «عبده با سید جمال در دو جهت اختلاف نظر دارد؛ یکی این که سید انقلابی فکر می‌کرد و عبده طرفدار اصلاح تدریجی بود. دیگر این که سید مبارزه با استبداد و استعمار را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بود و معتقد بود باید اول ریشه‌های این ام‌الفساد را کند و دور انداخت. ولی عبده، لااقل در اواخر عمر و بعد از جدا شدن از سید در پاریس

و بازگشت به مصر، معتقد بود که آموزش و پرورش و تربیت دینی جامعه بر تعلیم و هر حرکت سیاسی تقدم دارد.» (مطهری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۸).

اهمیت تعلیم و تربیت از نظر عبده تا آن حد است که تربیت را اساس همه چیز می‌دانست و معتقد بود: همه چیز بر اساس آن پایه‌ریزی می‌شود و هر چه به وجود می‌آید، با علم به وجود می‌آید. به همین جهت بود که عبده در دوره اقامت در پاریس به سید جمال پیشنهاد داد که سیاست را رها کند و با هم به محلی بروند که تحت مراقبت دولتها نباشند و با تربیت شاگردان، آنان را برای برنامه اصلاحی خود آماده سازند، ولی سید جمال نپذیرفت. (جلیلی، ص ۱۰۸).

به هر حال اختلافات شیخ با سید وفاداری او به گرایش اصلاح طلبی موجب شد که حرکت احیای دینی به دو شاخه تقسیم گردد. گروهی به شیوه سید جمال وفادار ماندند و انقلاب عظیم را خواستار بودند و گروهی دیگر از شیوه و مسلک عبده پیروی می‌کردند و خواهان اصلاح درونی و حرکت گام به گام بودند (مطهری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۸). پس از سید جمال، دومین شخصیتی که نامش به عنوان مصلح در جهان تسنن، بالخصوص در جامعه عرب، برده می‌شود شیخ محمد عبده شاگرد و مرید سید جمال‌الدین اسدآبادی است. عبده روح خود و زندگی معنوی خود را مدیون سید جمال می‌دانست.

شیخ محمد عبده در رویارویی با غرب نیز عقیده داشت که باید به اسلام راستین بازگشت که اگر چنین شود، تمامی مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد. او دارای تعصب فرقه‌ای نبود و عقیده داشت مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن ادیان الهی باید با یکدیگر وحدت داشته و با هم همکاری نزدیکی داشته باشند. به همین خاطر هنگامی که در بیروت به سر می‌برد، کانونی را در آن شهر به نام «جمعیة التقریب بین الادیان و المذاهب» ایجاد کرد که عده زیادی از علما و ادبا در آن شرکت می‌کردند و مسیحیان نیز به این مجالس می‌آمدند. وی در این کانون در مورد وحدت ادیان الهی سخن می‌گفت. فعالیت دیگر محمد عبده در راه تقریب مذاهب و ادیان، چاپ مقالاتی در مجله عروة الوثقی بود. این مجله با همکاری سید جمال‌الدین و شیخ محمد عبده چاپ و منتشر می‌شد. مقالاتی با عناوین مسیحیت و اسلام و پیروان آن دو؛ وحدت اسلامی و دعوت مردم ایران برای اتحاد با افغانها را چاپ نمود (امین، ۱۳۷۶ش، ص ۶۲).

به دلیل داشتن دغدغه اصلاح‌گری و وحدت امت اسلامی است که شیخ محمد عبده با وجود تعلق به جامعه مصر، از حیث اندیشه‌های سیاسی و دینی، وجهه‌ای فراملیتی و مذهبی یافته است.

امید است که بتوانیم با بهره‌گیری از آرای پیشگامان بیداری اسلامی، هم‌چون «شیخ محمد عبده» قدمی به سوی وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی برداریم.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- امین، احمد، پیشگامان مسلمان تجدیدگرایی در عصر جدید، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
- ۲- جلیلی، مهدی، جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه و عملکرد شیخ محمد عبده، مصباح، سال دوازدهم، شماره ۴۹.
- ۳- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۲ ش.
- ۴- حقیقت، سید صادق، اندیشه‌های کلامی - سیاسی عبده، فصلنامه نامه مفید، شماره ۲۲، ۱۳۷۹ ش.
- ۵- خرمشاهی، بهاء‌الدین، قرآن پژوهی، تهران، نشر ناهید، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
- ۶- عبده، محمد، مقدمه شرح نهج البلاغه، قم، نشر المکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- ۷- عمّاره، محمد، الاعمال الكاملة للامام الشیخ محمد عبده، بیروت، المؤسسة العربیه، ۱۹۸۰ م.
- ۸- مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، قم، صدرا، ۱۳۷۴ ش.
- ۹- همو، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۰- موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت، ۱۳۷۷ ش.